



تسهیلات بنگاہ ہای تولیدی

کوچک و متوسط

کمیون صنایع

دیرخانہ کمیون ہای تخصصی

عنوان گزارش: تسهیلات بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط

کمیسیون: صنایع

تهیه کننده: احسان سلطانی

انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران

شماره گزارش: ۱۳۹۵۳۵

مرداد ۹۵

خلاصه مدیریتی

اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی دهه هشتاد و واردات گسترده کالاهای مصرفی به همراه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات ضد نیروهای مولد، موجبات تضعیف صنایع کوچک و متوسط را فراهم آورد و پس از آن رکود اقتصادی سال‌های اخیر شرایط را برای این بنگاه‌ها به مراتب سخت‌تر و دشوارتر کرد. در طی دو سال گذشته، تنگنای اعتباری و نرخ‌های بسیار بالای سود تسهیلات بانکی، تامین سرمایه در گردش لازم و کافی با هزینه مناسب برای صنایع کوچک و متوسط را از دسترس خارج ساخت. از سوی دیگر سرکوب قیمت‌های فروش و تورم ناچیز بهای تولیدکننده صنعتی در برابر افزایش هزینه‌های نهاده‌های تولید و نیروی کار، حاشیه سود واحدهای تولیدکننده را به حداقل رسانید که منجر به زیان‌دهی بخش مهمی از بنگاه‌های صنعتی و ایجاد معوقات بانکی و بدهی به دستگاه‌های دولتی و اشخاص گردید. با توجه به استمرار شرایط نامناسب و مخل بخش‌های مولد، به تدریج فعالیت بسیاری از واحدهای تولیدی متوقف شده یا به رکود کشیده شد. هر چند که تزریق منابع مالی به تولید صنعتی دارای بالاترین سطوح برگشت اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش رشد اقتصادی و صادرات است، اما بدون ایجاد و تقویت ساختارها و نهادهای پشتیبان بخش‌های مولد، کارکرد و اثربخشی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهد. در هر صورت تزریق منابع مالی به صنایع کوچک و متوسط ضمن آن که در مجموع بر روی خروج از رکود در کل اقتصاد کم و بیش تاثیر خواهد داشت، با امیدبخشی و رفع بخش مهمی از مشکلات واحدهای صنعتی، ضمن ایجاد اشتغال جدید، مانع از ریزش بیشتر اشتغال مولد نیز خواهد شد. رکن اساسی در تاثیر این تسهیلات بر روی خروج از رکود بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی، به میزان زیادی به کارآیی و کارآمدی دستگاه‌های ذیربط و بانک‌های عامل در تخصیص بهینه منابع بستگی خواهد داشت.

فهرست

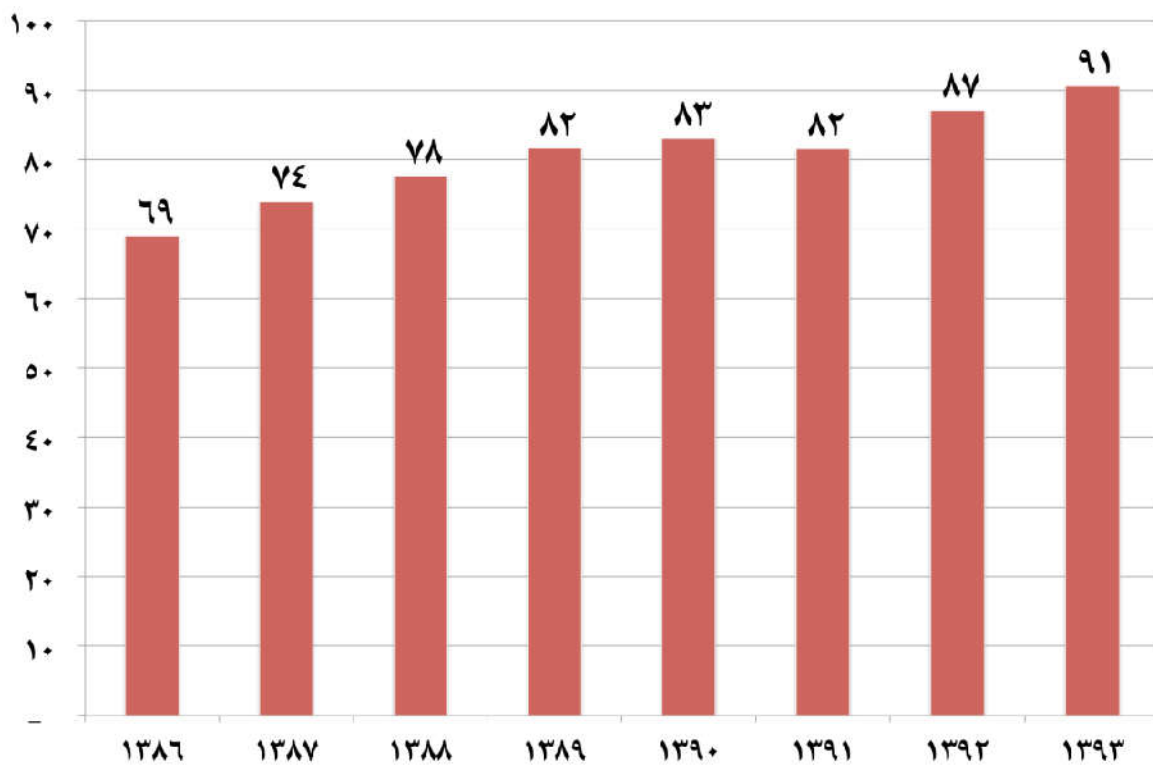
- ۱- مقدمه ۴
- ۲- روند توسعه صنایع کوچک و متوسط و تامین مالی صنعت ۴
- ۳- وضعیت کنونی صنایع کوچک و متوسط ۸
- ۴- چالشها و عوامل رکود صنایع کوچک و متوسط ۹
- ۵- تامین مالی صنایع کوچک و متوسط ۱۳
- ۶- نتیجهگیری و ارائه راهکارها ۱۷
- مراجع: ۱۹

جوزف شومپیتر یکی از اقتصاددانان نامی جهان گفته است رشد اقتصادی هر کشوری مرهون تلاش کارآفرینان بوده و غفلت از سرمایه‌های اجتماعی و اتکا به سرمایه و ماشین‌آلات باعث عقب‌ماندگی کشورها از روند رشد و توسعه می‌شود. او عقیده داشت ابتکار عمل‌های کارآفرینان موجب سرمایه‌گذاری‌ها و اشتغال جدید، افزایش تولید و رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد. بر همین باور می‌توان علت اساسی بروز رکود اقتصادی کشور را در اتکای هر چه بیشتر به درآمدهای نفتی و تضعیف نیروهای مولد و کارآفرین دانست. تنها علت رشد اقتصادی دهه هشتاد کشور تزریق مداوم درآمدهای نفتی بود و رشد درآمدهای نفتی بود که به اقتصاد وابسته به آن نیرو می‌بخشید. در هر صورت حتی بدون تحریم‌ها اقتصاد کاذب نفتی به نقطه ایستایی و فرو ریزش می‌رسید. در این دهه واردات گسترده کالاهای مصرفی منجر به نابودی بخش مهمی از بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط شد که کاهش اشتغال مولد را در پی داشت.

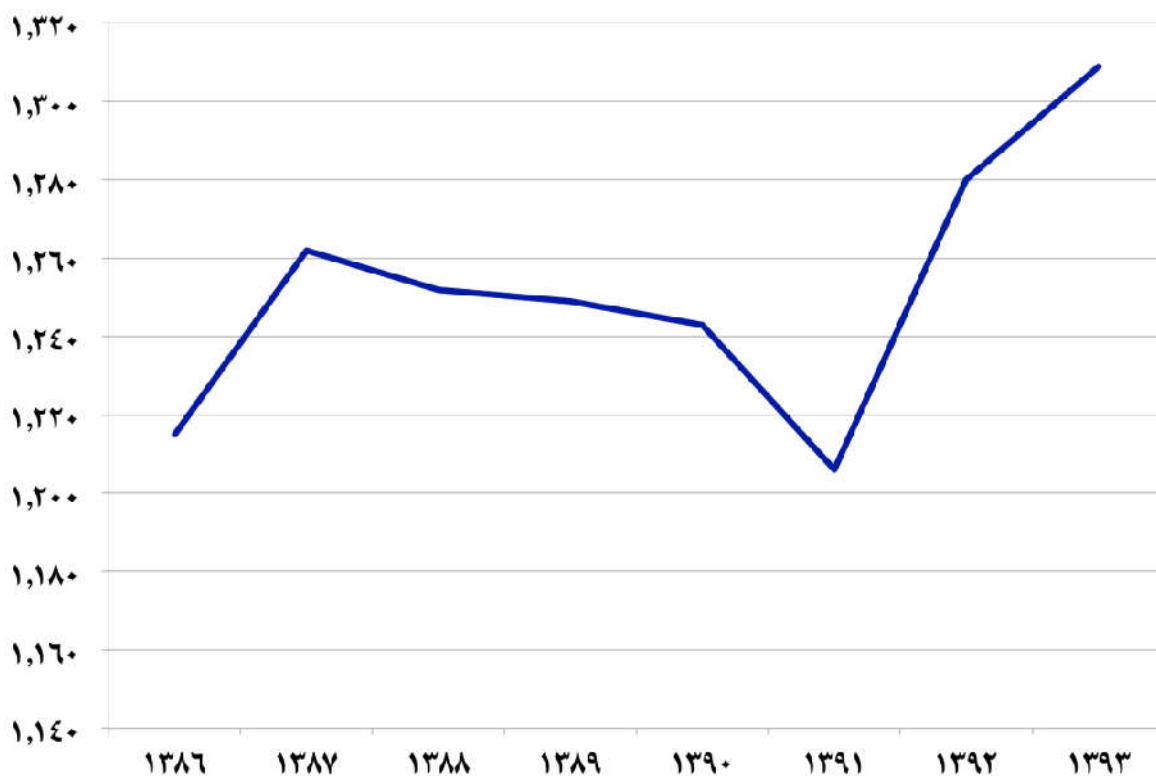
تا کنون در جهت خروج از رکود برنامه‌هایی تدوین شده که سابقه آن به سال ۱۳۹۳ برمی‌گردد. مهم‌ترین ایراد و نقطه ضعف وارد بر رویکردهای صورت گرفته و اقدامات انجام شده، تمرکز بر واحدهای صنعتی بزرگ دولتی و شبه‌دولتی معمولاً بالادستی بوده که نظر به میزان اشتغال پایین و همچنین عدم تشکیل زنجیره‌های تامین قدرتمند با صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی منجر به حصول نتایج مطلوب نگردید. مقام معظم رهبری در اولین سخنرانی سال گذشته (اول فروردین ۱۳۹۴، حرم رضوی، مشهد) به توجه دولت به امر تولید داخلی و حمایت از صنایع کوچک و متوسط سفارش اکید فرمودند. معظم‌له در اولین سخنرانی سال کنونی (اول فروردین، حرم رضوی، مشهد) ضمن نامیدن سال جاری تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل»، با ابلاغ مفاد «ده اقدام اساسی برای نجات کشور» موارد بسیار کلیدی و مهمی شامل پشتیبانی از تولید داخلی و تقویت و رقابتی‌سازی آن، تعادل‌بخشی به اقتصاد و عدالت اجتماعی، ارتقاء بهره‌وری و اقتصاد دانش‌بنیان، کنترل واردات، مبارزه با رانت‌خواری، قاچاق و فساد و توجه ویژه به صنایع کوچک و متوسط را از دولت، نهادها و مردم خواستار شدند.

۲- روند توسعه صنایع کوچک و متوسط و تامین مالی صنعت

در طی دوره ۹۳-۱۳۸۶ بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، به رغم عدم تغییرات معنی‌دار در میزان اشتغال کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، تعداد این کارگاه‌ها ۱۸ درصد کاهش یافته است. که نشان‌دهنده بزرگ شدن ابعاد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر می‌باشد. در طی این دوره ابعاد این کارگاه‌ها با بیش از ۳۰ درصد افزایش از ۶۹ نفر کارکن به ۹۱ نفر بالغ گردید (نمودار ۱). بنابراین تخمین زده می‌شود مقارن با خروج بین ۴ تا ۶ هزار کارگاه صنعتی کوچک و متوسط از مجموع ۱۷۶۰۰ کارگاه در طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳، بین ۱ تا ۲ هزار کارگاه بزرگ ایجاد شده و همچنین تعدادی از کارگاه‌های بزرگ فعالیت خود را گسترش داده باشند. در کل روند دوره فوق‌الذکر در جهت گسترش و توسعه کارگاه‌های صنعتی بزرگ و تحدید و تضعیف کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط بوده است. گزارش‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران حاکی از این می‌باشد که در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ اشتغال کل بخش صنعت-ساخت با ۳۹۰ هزار نفر کاهش به سه میلیون و یکصد هزار نفر رسیده است. در همین حال داده‌های کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر نشان می‌دهد که شاغلین آنها ۱۷۰ هزار نفر افزایش داشته است (نمودار ۲). با تلفیق دو داده فوق‌الذکر می‌توان نتیجه گرفت در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، اشتغال صنعت-ساخت در واحدهای تولیدی میکرو (زیر ده نفر)، ۵۶۰ هزار نفر (۲۳ درصد از کل) کاهش یافته است.



نمودار ۱. ابعاد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر (کارکن در واحد) [۱]



نمودار ۲. میزان اشتغال کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر (هزار نفر) [۱]

بررسی شاخص‌های اشتغال و تولید کارگاه‌های بزرگ (با تعداد کارکن ۱۰۰ نفر و بیشتر) بانک مرکزی نشان‌گر آن می‌باشد که در دوره ۹۲-۱۳۸۰، به رغم افزایش سه برابری حجم تولیدات، اشتغال در این واحدها ثابت مانده است. نظر به این که کارآیی و کارآمدی و سطح مهارت نیروی کار در این دوره رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته، افزایش ارزش تولیدات عمدتاً ناشی از گسترش سریع صنایع سرمایه‌بر در مقابل صنایع کاربر بوده است. درآمدهای ارزی بالای ناشی از صادرات نفت در دهه هشتاد، منابع کافی جهت سرمایه‌گذاری در صنایع سرمایه‌بر و متکی به منابع فراهم ساخت و از سوی دیگر در کاهش شدید تمایل به سرمایه‌گذاری در صنایع کاربر و دانش‌بنیان تاثیر به سزایی بر جای گذاشت.

در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل از آن، شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ (۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر) بانک مرکزی ۶.۷ درصد افزایش داشته که عمدتاً ناشی از افزایش مونتاژ خودرو در واحدهای بزرگ بوده است. چنانچه رشد شاخص تولید وسایل نقلیه در این سال نسبت به سال قبل از آن ۵۱.۲ درصد و برای صنایع بزرگ شیمیایی و فلزات اساسی به ترتیب ۱.۷ و ۳.۹ درصد رشد گزارش شده است. با توجه به داده‌های کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر (مرکز آمار)، شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ (بانک مرکزی) و همچنین مطالعات دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که خروج از رکود سال ۱۳۹۳ در صنایع بزرگ و به خصوص خودرو به وقوع پیوسته و در صنایع کوچک و متوسط و به خصوص میکرو اتفاق چندانی نیافتاده است. شایان ذکر می‌باشد که رکود در صنایع کوچک و متوسط به تدریج از نیمه دوم دهه هشتاد در حال شکل گرفتن بوده است.

با استناد به داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت، در کل دهه هشتاد، سهم ۴ صنعت سرمایه‌بر پالایشگاهی، فلزات اساسی، شیمیایی و کانی غیرفلزی از کل سرمایه‌گذاری در ۲۴ رشته صنعتی کشور در حدود ۷۰ درصد بوده است. بررسی بازار بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد که به رغم افزایش ارزش کل سهام به میزان ۹ برابر در طی دوره (۹۲-۱۳۸۷)، ارزش سهام شرکت‌های پتروشیمی ۴۳ برابر (۲۴ درصد از کل)، فرآورده‌های نفتی ۱۶ برابر، بانک‌ها ۱۲ برابر و استخراج کانه‌های فلزی ۱۰ برابر شده است. لذا به وضوح دیده می‌شود که با توجه به دسترسی بسیار بهتر بنگاه‌های بزرگ سرمایه‌بر به منابع بانکی و بازار سرمایه، سهم صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی واقعی چقدر پایین بوده است. در مجموع، داده‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی دلالت بر روندی با مشخصه‌های ذیل دارد که در دهه هشتاد به تدریج آغاز شده و در نیمه دوم آن شتاب پیدا کرده و تا سال ۱۳۹۳ کماکان تداوم یافته است.

۱- رشد صنعتی از گسترش کارگاه‌های بزرگ و بدون افزایش اشتغال حاصل شده است.

۲- رشد تولید کارگاه‌های بزرگ توأم با کاهش اشتغال، تعداد و فعالیت کارگاه‌های کوچک و متوسط و به خصوص میکرو (تعداد شاغلین زیر ۱۰ نفر) بوده است.

۳- در مجموع داده‌های شاغلین، ارزش تولید و افزوده و ابعاد واحدها و همچنین اطلاعات منابع آماری دیگر حاکی از گسترش صنایع بزرگ بالادستی و تحدید و تضعیف صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی از سال ۱۳۸۰ (شروع افزایش درآمدهای نفتی) می‌باشد.

۴- رشد صنعتی با کاهش کیفیت عملکرد صنعت و عمق صنعتی توأم بوده که در کاهش تدریجی نسبت ارزش افزوده به تولیدات صنعتی قابل ملاحظه است.

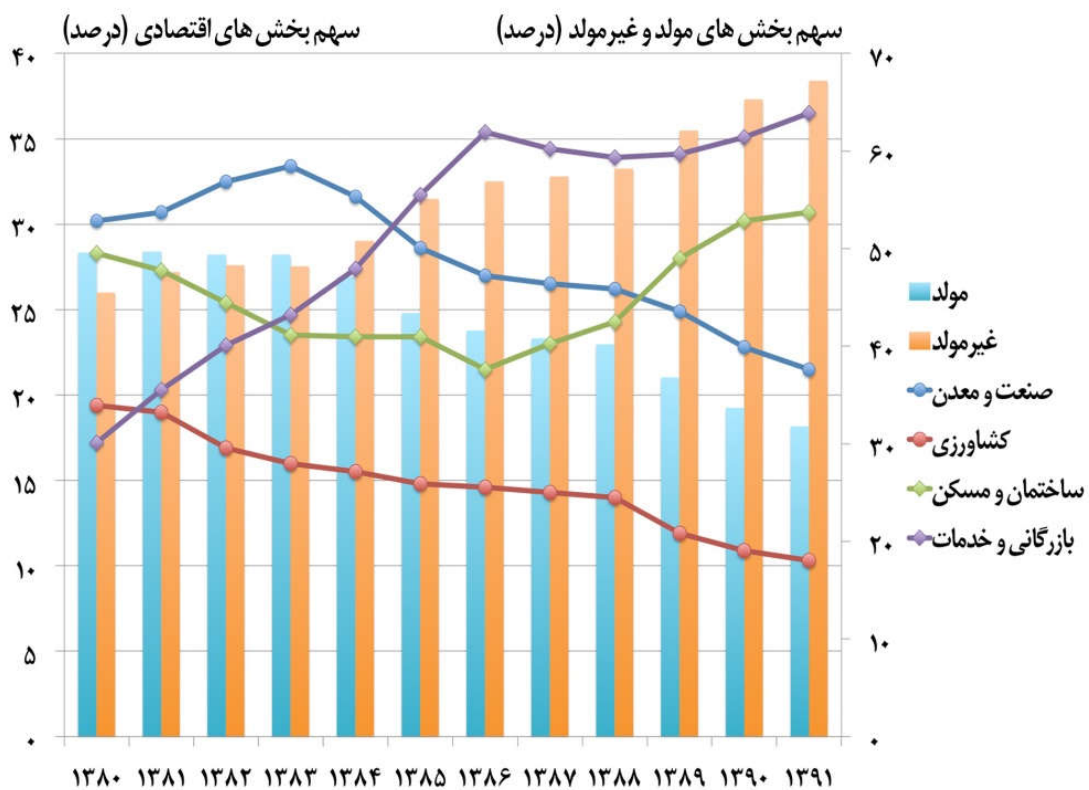
۵- رشد صنعتی مبتنی بر تولید کالاهای متکی به رانت منابع (مواد خام و انرژی ارزان) بوده که شامل پتروشیمی‌ها، فلزات خام و صنایع کانی غیرفلزی (سیمان) می‌گردد.

ایجاد بستر رشد و فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و به تبع آن تامین مالی مناسب و موثر آنها، از مهم‌ترین دغدغه‌ها و وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود. در سطح جهان حمایت دولت‌ها از تامین مالی بنگاه‌ها کوچک و متوسط شامل موارد متنوعی از قبیل ضمانت تسهیلات، تسهیلات خاص جهت راه‌اندازی، تضمین‌های صادراتی، تسهیلات خاص و با یارانه سود تسهیلات و ایجاد بانک‌های تخصصی می‌گردد (جدول ۱). در گستره‌ای وسیع‌تر هدایت سرمایه‌ها و منابع مالی به سمت فعالیت‌های مولد (بخش واقعی اقتصاد)، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادها محسوب می‌شود. گزارش‌های بانک مرکزی حاکی از این می‌باشد که سهم بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی از کل مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری به بخش غیردولتی از ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۱ تنزل یافته است (نمودار ۳). شروع رکود تورمی از سال ۱۳۹۲ و بحران سیستم بانکی که به تنگنای شدید اعتباری منتهی شد و از سوی دیگر افزایش نرخ سود تسهیلات و نسبت نرخ رشد حداقل ۵۰ درصدی میزان سرمایه در گردش به تسهیلات بانکی تولید، شرایط فعالیت برای واحدهای تولیدی را

به شدت دشوار ساخت. در این میان بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی از موقعیت برتر در جذب سرمایه لازم از بانک‌ها، بازار سرمایه و دیگر منابع مالی نسبت به بنگاه‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی برخوردار بودند.

سیاست گذاری های دولت ها جهت تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط	
اتریش، بلژیک، کانادا، شیلی، کلمبیا، چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، یونان، مجارستان، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، کره، مکزیک، هلند، نروژ، پرتغال، روسیه، صربستان، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایلند، ترکیه، انگلستان، آمریکا	ضمانت تسهیلات توسط دولت
اتریش، کانادا، دانمارک، مکزیک، هلند، صربستان، انگلستان	ضمانت ها و تسهیلات خاص جهت راه اندازی
اتریش، بلژیک، کانادا، کلمبیا، چک، دانمارک، فنلاند، مجارستان، کره، هلند، نیوزیلند، اسپانیا، سوئد	ضمانت های صادرات و اعتبار تجاری دولتی
اتریش، بلژیک، کانادا، شیلی، کلمبیا، چک، فنلاند، فرانسه، یونان، مجارستان، ایرلند، اسرائیل، کره، نروژ، پرتغال، صربستان، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، ترکیه، انگلستان	تسهیلات مستقیم (Direct Lending) صنایع کوچک و متوسط
اتریش، یونان، مجارستان، پرتغال، روسیه، اسپانیا، ترکیه، انگلستان	تسهیلات با یارانه سود
چک، فرانسه، پرتغال، روسیه، انگلستان	بانک های بنگاه های کوچک و متوسط
بلژیک، فنلاند، ایتالیا، نیوزیلند، نروژ، اسپانیا، سوئد، ترکیه	تعویق و معافیت مالیاتی
اتریش، کلمبیا، دانمارک، فنلاند، هلند، نیوزیلند، سوئد	مشاوره کسب و کار

جدول (۱) - چگونگی تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط دولت‌ها [12]

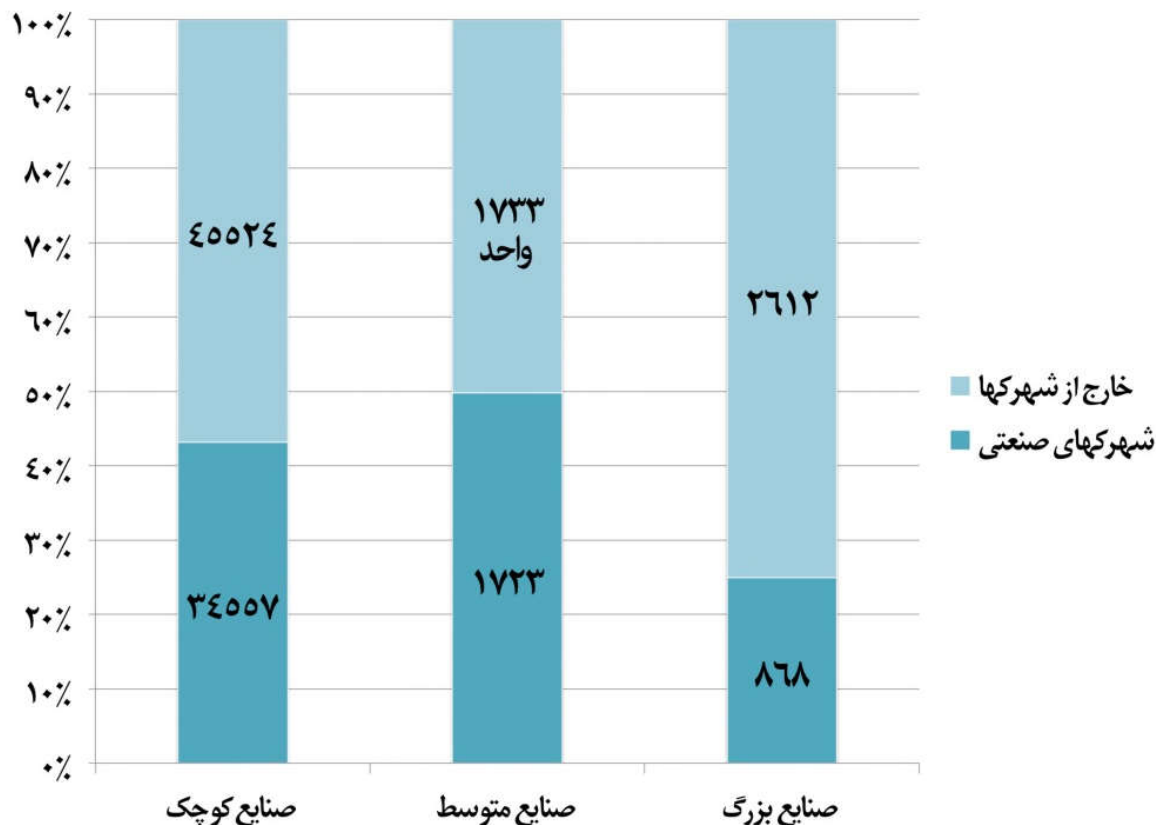


نمودار (۳) - روند تغییرات سهم بخش‌های اقتصادی از تسهیلات بانکی [۲]

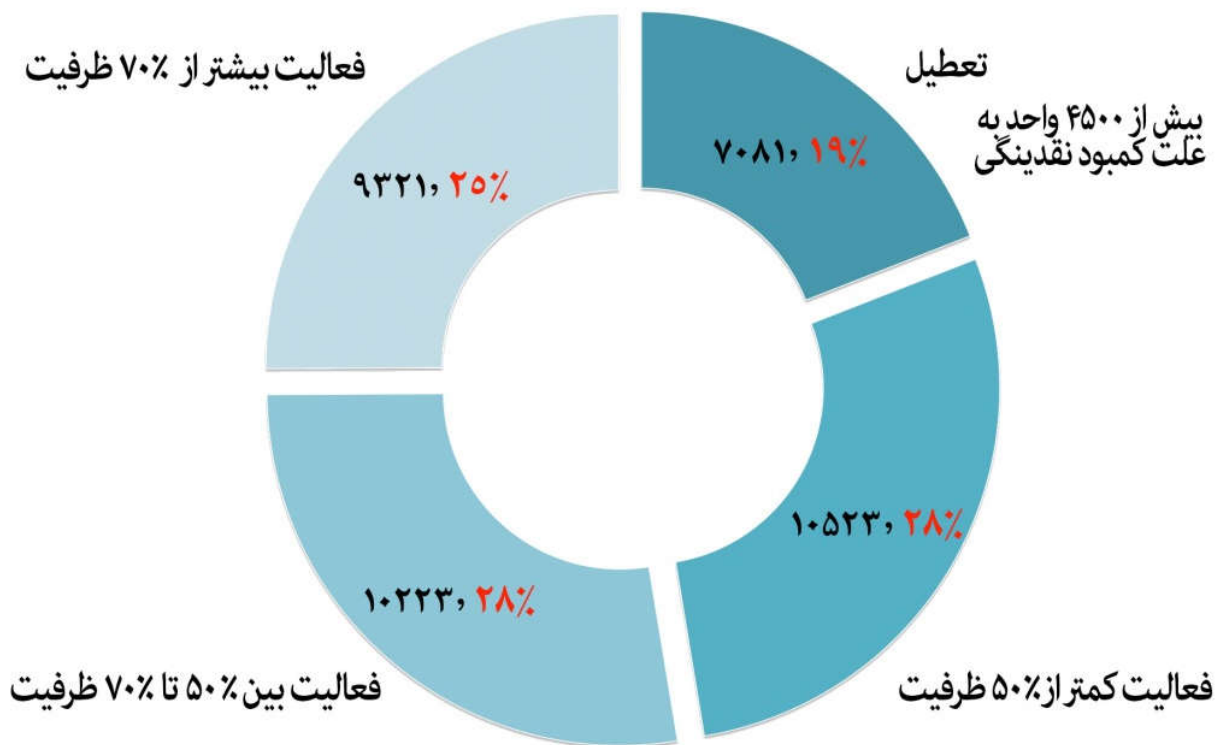
۳- وضعیت کنونی صنایع کوچک و متوسط

بر اساس آخرین داده‌های سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی (وزارت صنعت، معدن و تجارت) تا پایان اردیبهشت سال ۱۳۹۵، در کل کشور ۸۷۰۱۷ واحد صنعتی پروانه بهره‌برداری صنعتی دریافت کرده‌اند. از این تعداد ۸۰۰۸۱ واحد (با اشتغال زیر ۵۰ نفر) شامل صنایع کوچک، ۳۴۵۶ واحد (با اشتغال بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر) شامل صنایع متوسط و ۳۴۸۰ واحد (با اشتغال بالای ۱۰۰ نفر) در زمره صنایع بزرگ واقع می‌شوند (نمودار ۴). از مجموع این واحدهای صنعتی ۳۷۱۴۸ واحد در شهرک‌های صنعتی استقرار یافته‌اند که از این تعداد ۳۴۵۵۷ شامل صنایع کوچک، ۱۷۲۳ واحد شامل صنایع متوسط و ۸۶۸ واحد در زمره واحدهای بزرگ هستند. هم‌اکنون ۸۱ درصد واحدهای صنعتی واقع در شهرک‌های صنعتی مشغول به کار هستند و ۷۰٪ و ۷۰٪ واحد (۱۹ درصد از کل) تعطیل شده‌اند. از مجموع واحدهای صنعتی فعال مستقر در شهرک‌ها، ۳۱ درصد با ظرفیت بالای ۷۰ درصد، ۳۴ درصد با ظرفیت بین ۵۰ تا ۷۰ درصد و ۳۵ درصد با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد فعالیت دارند (نمودار ۵). از بیش از ۷۰۰۰ واحد متوقف شده، بیش از ۴۵۰۰ واحد به علت کمبود نقدینگی به تعطیلی کشیده شده‌اند. باید توجه داشت که اغلب واحدهای تولیدی با فعالیت زیر ۷۰ درصد ظرفیت اسمی دارای سوددهی نیستند که در این میان واحدهایی که با ظرفیت زیر ۵۰ درصد فعالیت دارند، اصولاً باید زیان‌ده باشند. ادامه فعالیت بسیاری از این قبیل واحدها معمولاً نظر به عدم اعمال هزینه‌های سرمایه ثابت و استهلاک‌ها (عدم بازگشت تسهیلات بانکی یا برگشت سرمایه شخصی) ممکن شده است.

نظر به این که در مجموع واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی اصولاً واحدهای جدیدتری نسبت به واحدهای خارج از شهرک‌ها محسوب می‌شوند، لذا میزان تعطیلی و فعالیت زیر ظرفیت اسمی در واحدهای خارج از شهرک‌ها بیشتر است. البته باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از واحدهای صنعتی خارج از شهرک‌ها کلاً از زمینه فعالیت صنعتی خارج شده‌اند. در هر صورت وضعیت حاکم بر واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی با شدت و حدت بیشتری در مورد واحدهای کوچک و متوسط خارج از این شهرک‌ها صدق می‌کند. بیش از سه-چهارم واحدهای صنعتی بزرگ که اصولاً از وضعیت بهتری برخوردار هستند، در خارج از شهرک‌های صنعتی استقرار یافته‌اند.



نمودار (۴) - توزیع واحدهای صنعتی، کوچک، متوسط و بزرگ در شهرک‌های صنعتی و خارج از آنها [۳]



نمودار (۵) - وضعیت فعالیت ۳۷۱۴۸ واحد صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی [۳]

۴- چالش‌ها و عوامل رکود صنایع کوچک و متوسط

رکود اقتصادی که به میزان قابل توجهی ریشه در تضعیف فعالیت‌های مولد بخش خصوصی دارد، با کاهش توان کسب درآمد عامه مردم و در نتیجه تنزل تقاضای مصرف عمق بیشتری یافت. اقدامات دولت که تا کنون بر رونق بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی متمرکز بوده، نظر به وجود مسائل عدیده‌ای از جمله عدم شکل‌گیری زنجیره‌های تامین کامل صنعتی و اقتصادی، چندان راه‌گشا نبوده است. بنابراین رونق کسب و کارهای خرد و متوسط و به تبع آن ایجاد اشتغال و افزایش توان مصرف جامعه، راهکاری اساسی در جهت خروج از رکود کنونی به شمار می‌رود. در این راستا ضمن ایجاد مشاغل جدید، ارزش افزوده مولد و توان مصرف نیز افزایش می‌یابد. صنایع کوچک و متوسط از مزایای ذیل برای به حرکت درآوردن کل اقتصاد نیز برخوردار هستند، (۱) سرعت بالای عملیاتی شدن و تاثیرگذاری مستقیم بنگاه‌های کوچک و متوسط (حلقه‌های نهایی صنعتی) بر روی صنایع بالادستی، جنبی و بازار مصرف، (۲) توان ایجاد اشتغال بالا، (۳) کاهش قیمت تمام شده و قیمت فروش با توجه به افزایش تولید، (۴) خروج از چرخه کاهنده و ورود به چرخه فزاینده ارزش و سوددهی، (۵) انتقال سریع منابع دریافتی به بخش‌های دیگر و تحریک آن‌ها و (۶) تاثیر سریع بر فعال شدن دیگر حلقه‌های زنجیره تامین. در راستای خروج از رکود صنایع کوچک و متوسط موضوعات مهم ذیل قابل ارائه می‌باشد،

الف- کاهش هزینه‌های تولید و تسهیل فضای کسب و کار، شامل کاهش قیمت مواد اولیه (در حد قیمت‌های جهانی) و نهاده‌های ورودی صنایع کوچک و متوسط از قبیل فلزات اساسی و تولیدات پتروشیمی.

الف-۱- در شرایطی که بهای مواد اولیه در سطح جهان کاهش یافته است، واحدهای بزرگ (اغلب دولتی و شبه‌دولتی) تولیدکننده مواد اولیه صنعتی ضمن آن که بهای صادراتی خود را کاهش داده‌اند، اقدام به عرضه تولیدات خود به بهای بالا به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط داخلی می‌کنند. از سوی دیگر نظر به حمایت دولت از صنایع بزرگ با افزایش تعرفه‌های واردات مواد اولیه صنعتی و همچنین مشکلات بانکی خریدهای خارجی، امکان واردات مواد اولیه با قیمت‌های جهانی نیز از واحدهای کوچک و متوسط سلب گردیده است. در این راستا شایان ذکر است که همواره دولت‌ها با مدعای توسعه صنعتی و لزوم نیاز بخش‌های پایین‌دستی به صنایع بزرگ بالادستی، اقدام به گسترش آنها کرده‌اند، اما

در عمل آن چه اتفاق افتاده این است که در اغلب موارد، این روند منجر به پیچیدگی بیشتر شرایط و اعمال تحمیلات و تضییقات بیشتر (جهت حمایت از صنایع بالادستی) بر روی صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی شده است.

الف-۲- وجود واسطه‌گری‌های چندلایه هم در بخش تامین مواد اولیه و هم در بخش توزیع منجر به افزایش قیمت تمام شده و از سوی دیگر کاهش سهم سود تولیدکنندگان از فروش می‌شود. هزینه بالای بخش توزیع به علت قیمت‌های بالای اجاره املاک تجاری و فروشگاه‌های و همچنین سودجویی نامتعارف و ناکارآمدی و نامتشکل بودن بخش توزیع، حاشیه سود تولیدکنندگان را به شدت پایین آورده و همچنین زمان برگشت عایدی فروش را طولانی ساخته است. گزارش اخیر کمیسیون واردات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران بر بالا بودن نرخ اجاره به عنوان مهم‌ترین مانع تاسیس و رشد کسب و کارهای خرد تاکید دارد. هم اکنون سهم بخش توزیع (شامل اجاره محل فعالیت) از منافع زنجیره‌های تامین اقتصادی به مراتب بیش از بخش تولید است. وجود هزینه بالای بخش توزیع (شامل اجاره محل فعالیت) ضمن آن که حاشیه سود بخش تولید را از بین برده، با افزایش «هزینه کالای به فروش رفته» کاهش مصرف را در پی داشته که خود یکی از عوامل مهم ایجاد و تعمیق و تداوم رکود اقتصادی کنونی محسوب می‌شود.

الف-۳- چنان چه ذکر شد بخش قابل توجهی از صنایع کوچک و متوسط در زیر ظرفیت اسمی فعالیت دارند که با توجه به وجود هزینه‌های سربار معمولاً بالا، قیمت تمام شده تولیدات آنها بالا رفته است. کاهش حجم تولید و رکود فعالیت واحدهای تولیدی موجب شده تا حاشیه سود آنها به شدت پایین بیاید.

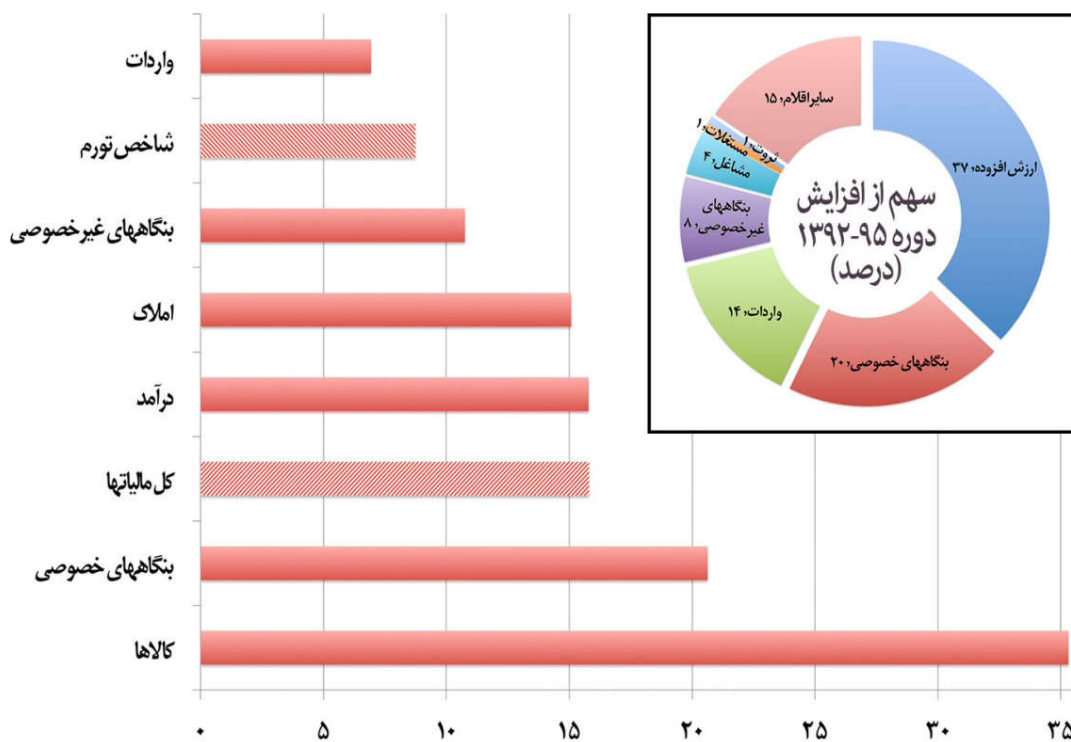
ب- برقراری عدالت مالیاتی و همچنین کاهش مالیات وصولی از بخش‌های مولد و افزایش مالیات بخش‌های نامولد. مکانیزم مالیات‌ستانی کارآمد ضمن آن که تولید را تشویق می‌کند، مانع حرکت سرمایه‌ها به سمت بخش‌های نامولد می‌شود. با بالا رفتن هزینه فعالیت‌های نامولد، سرمایه‌ها به سمت تولید سوق پیدا می‌کند. هم اکنون به جای این که نظام مالیاتی بر روی اخذ مالیات از بخش‌های اغلب سودآور نامولد متمرکز باشد، بر روی واحدهای تولیدی اغلب زیان‌ده تمرکز یافته است.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، درآمدهای مالیاتی در حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده که نسبت به لایحه مصوب سال ۱۳۹۴ (با میزان ۸۶۱ هزار میلیارد ریال)، ۲۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. در طی استقرار دولت یازدهم از سال ۱۳۹۲، بودجه کل کشور ۳۱ درصد افزایش داشته، اما نرخ رشد درآمدهای مالیاتی ۱۰۸ درصد می‌باشد که به مفهوم افزایش ۳.۵ برابری مالیات‌ها نسبت به رشد بودجه کل کشور است. از سوی دیگر با توجه به نرخ برآوردی افزایش تولید ناخالص داخلی (اسمی) به میزان ۵۰ درصد در سال جاری نسبت به سال ۱۳۹۲، ملاحظه می‌شود که نرخ رشد مالیات‌ها بیش از ۲ برابر افزایش نسبت به میزان رشد واقعی اقتصاد (قیمت‌های جاری) تجربه کرده است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، سهم مالیات ارزش افزوده از کل مالیات‌ها ۲۹.۳ درصد، بنگاه‌های خصوصی ۲۲.۳ درصد، واردات ۱۵.۱ درصد، بنگاه‌های غیرخصوصی ۹.۷ درصد، حقوق و دستمزد ۸.۷ درصد، مشاغل ۴.۲ درصد، ثروت ۲.۵ درصد و مستغلات ۰.۸ درصد، پیش‌بینی شده است (نمودار ۶).

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۲، مالیات ارزش افزوده ۲.۹ برابر، واردات ۱.۹ برابر، بنگاه‌های خصوصی ۱.۹ برابر، درآمد ۱.۹ برابر، بنگاه‌های دولتی ۱.۷ برابر و ثروت ۱.۲ برابر رشد داشته است. از کل افزایش مالیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به مالیات سال ۱۳۹۲، ۳۷ درصد سهم مالیات ارزش افزوده، ۲۰ درصد سهم بنگاه‌های خصوصی، ۱۴ درصد سهم واردات، ۷.۸ درصد سهم بنگاه‌های عمومی، ۴ درصد سهم مشاغل و فقط به ترتیب ۰.۸ و ۰.۶ درصد سهم مستغلات و ثروت است (نمودار ۷). بنابراین ملاحظه می‌شود افزایش بار مالیاتی بنگاه‌های خصوصی (اغلب صنایع کوچک و متوسط) بیش از واردات، ۲.۶ برابر بنگاه‌های دولتی، ۵ برابر مشاغل (شامل همه اصناف و عمده‌فروشان و خرده‌فروشان)، ۳۱ برابر ثروت و ۲۵ برابر مستغلات است. پیش‌بینی می‌شود بخش اعظم بار افزایش مالیات در دوره سه‌ساله ۹۵-۱۳۹۲ بر دوش بخش مولد صنعتی و به ویژه صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی واقعی باشد.

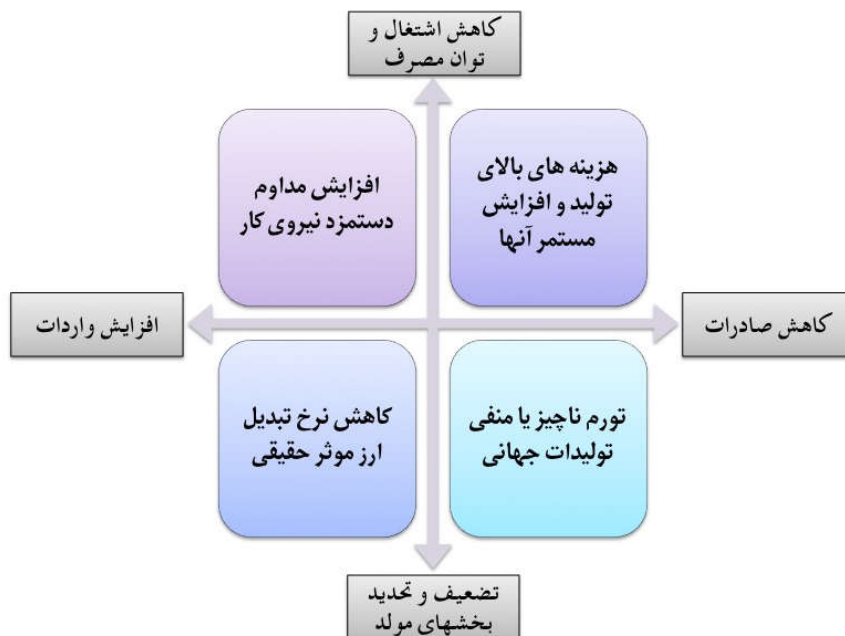


نمودار (۶) - سهم اقلام از کل مالیات در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ [۴]



نمودار (۷) - نسبت افزایش میزان مالیاتها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۲ و تورم [۴،۵]

ج- چهار وجهی تثبیت نرخ اسمی موثر تبدیل ارز (کاهش نرخ حقیقی موثر تبدیل ارز)، افزایش هزینه‌های تولیدکننده داخلی، کاهش بهای کالاهای صنعتی و کشاورزی در سطح جهان و رکود اقتصادی (کاهش توان مصرف مردم) منجر به سرکوب بهای فروش تولیدکنندگان داخلی از اواسط سال ۱۳۹۲ تا کنون شده است (شکل ۱). این چهاروجهی موجبات تضعیف کلی و در نتیجه نابودی و توقف فعالیت بخش قابل توجهی از بخش‌های تولیدی کشور و به خصوص صنایع کوچک و متوسط را فراهم آورده است.



شکل (۱) - ساز و کار اقتصادی ضد بخش های مولد و صادرات آنها در کشور [۶]

- د- کاهش واردات و افزایش صادرات از طریق مدیریت واردات و کنترل قاچاق و تسهیل و تشویق صادرات
 ه- تامین مالی سرمایه در گردش با نرخ سود تسهیلات مناسب و ترجیحی.

چالش ها و مشکلات عمومی تولیدکنندگان	
۱	تنزل توان مصرف عامه مردم و تعمیق رکود
۲	کاهش مستمر توان رقابت پذیری (افزایش سالانه هزینه های تولید و کاهش نرخ تبدیل ارز موثر حقیقی)
۳	افزایش مداوم هزینه های تولید (انرژی، حمل و نقل و به خصوص بخش های غیرقابل تجارت)
۴	هزینه و کارایی نیروی کار غیررقابتی (افزایش سالانه هزینه نیروی کار نسبت به نیروی کار کشورهای دیگر با توجه به تثبیت نرخ ارز)
۵	سرکوب قیمت ها (با وجود رکود شدید و با توجه به افزایش هزینه ها و تثبیت قیمت اقلام وارداتی)
۶	کمبود نقدینگی و هزینه بالای تامین مالی (نبود منابع مالی و از سویی نرخ های سود بالای آن)
۷	مالیاتها (فشار بار مالیاتی کشور بر روی بخش های رسمی و مولد و معافیت گسترده بخش های نامولد از پرداخت مالیات)
۸	حجم بالای واردات و قاچاق (نظام تجاری ناکارآمد مشوق واردات و قاچاق)
۹	ناکارآمدی و عقب ماندگی بخش توزیع (عدم وجود زنجیره های خرده فروشی و برندهای داخلی)
۱۰	فضای کسب و کار (کثرت قوانین و مقررات ضد فعالیت نیروهای مولد و حامی نیروهای نامولد)

جدول (۲) - چالش ها و مشکلات کلی تولیدکنندگان [۶]

۵- تامین مالی صنایع کوچک و متوسط

قاعده کلی این است که سیاست‌ها و ساز و کارهای اقتصادی کشور باید به صورتی تنظیم شود که موجب تسهیل و تشویق و روانی جریان سرمایه‌ها به سمت بخش‌های تولید شود. در این میان سهل‌الوصول‌ترین و انفعالی‌ترین اقدام ممکن این است که با اقدامات دستوری، نقدینگی به بخش تولید تزریق گردد. در این راستا توجه به نکات حائز اهمیت ذیل ضروری و لازم است.

۱- بخش تولید صنعتی دارای بالاترین اثر چندبرابرکنندگی سرمایه ورودی است. چنان چه به عنوان مثال در آمریکا با تزریق هر یک دلار به بخش صنعت، ۱.۴ دلار به اقتصاد برمی‌گردد.

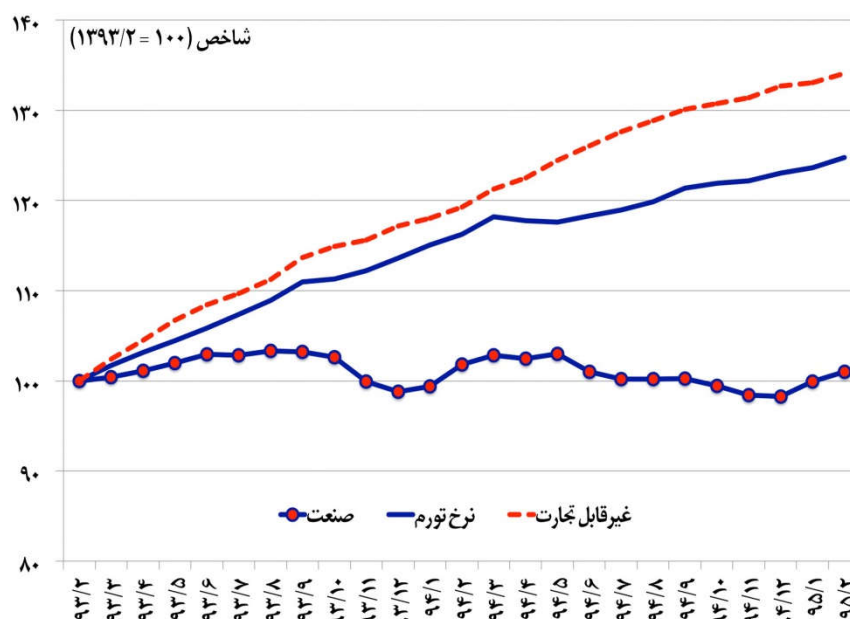
۲- بخش صنعت دارای ضریب بسیار بالای چندبرابرکنندگی ایجاد اشتغال است. ایجاد هر شغل صنعتی منجر به ایجاد حداقل ۲ شغل (جانبی و القایی) دیگر در اقتصاد می‌شود.

۳- در مجموع همان‌گونه که در همه اقتصادهای جهان تجربه شده، در کنار ایجاد ساختارها و نهادهای مشوق نیروهای مولد، بیش از هر بخش اقتصادی، تزریق منابع به تولید صنعتی، بالاترین نرخ‌های بازگشت اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد، افزایش رشد اقتصادی و توسعه صادرات را به همراه دارد.

۴- بخش اعظم تعداد واحدها و بیش از نیمی از اشتغال صنعتی کشور به صنایع کوچک و متوسط مربوط می‌باشد.

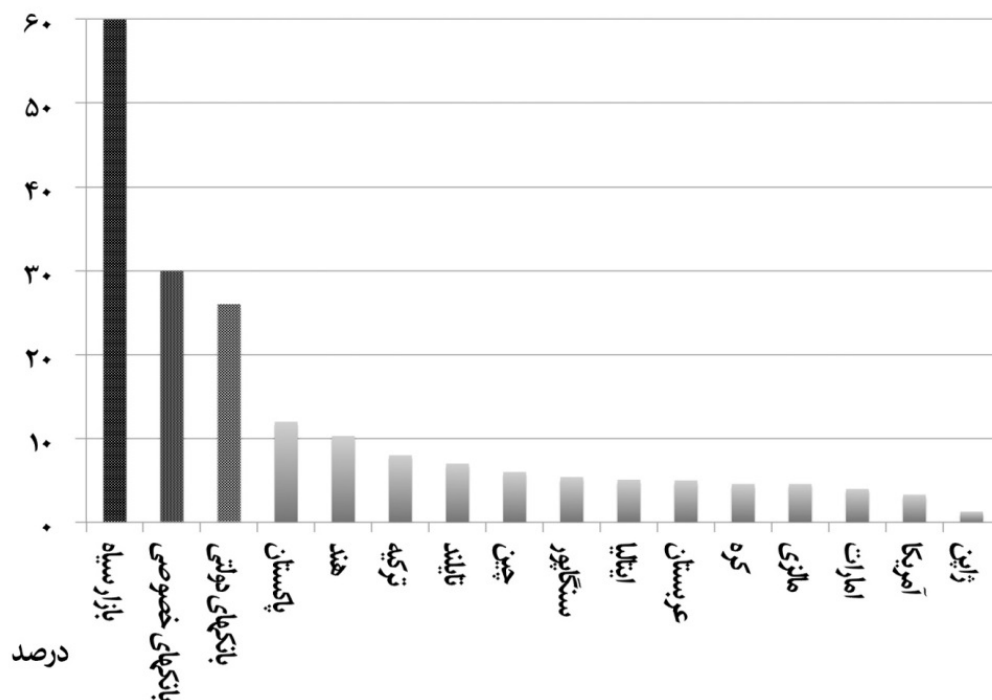
۵- در مجموع دهه هشتاد، برای ایجاد هر شغل در صنایع کوچک و متوسط به صورت متوسط در حدود ۲ میلیارد ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۳) سرمایه‌گذاری شده است. با اختصاص کارآمد تسهیلات سرمایه در گردش می‌توان انتظار داشت که با صرف هر یک میلیارد ریال، حداقل یک شغل در واحدهای راکد و نیمه‌راکد ایجاد شود. لذا با توجه به میزان تسهیلات ۱۶ هزار میلیارد تومانی در نظر گرفته شده، بایستی ۱۶۰ هزار شغل مستقیم ایجاد گردد که با در نظر گرفتن ضریب چندبرابرکنندگی اشتغال، تخصیص موثر تسهیلات صنایع کوچک و متوسط می‌تواند منتهی به خلق ۵۰۰ هزار شغل جدید در اقتصاد گردد. بر همین اساس ملاحظه می‌شود که با تامین درست ۱۶ هزار میلیارد تومان منابع مالی، می‌توان انتظار داشت که فقط از محل دستمزد (و حق بیمه) مشاغل ایجاد شده، بیش از نیمی از منابع تزریق شده به اقتصاد برگردد. البته شایان ذکر است که بخش قابل توجهی از تسهیلات کنونی منجر به ایجاد اشتغال جدید نشده و صرف حفظ وضعیت موجود واحدها و توقف روند اخراج کارگران آنها خواهد شد.

۶- در شرایط کنونی تنگنای شدید مالی اقتصاد کشور و نرخ‌های سود بانکی (در عمل) بالای ۳۰ درصد و نرخ‌های سود پول بازار سیاه بالای ۵۰ درصد، تامین تسهیلات بانکی با نرخ سود کمتر از ۲۰ درصد به حال واحدهای تولیدی مفید واقع خواهد شد. در این میان باید توجه داشت که شاخص بهای تولیدکننده در اردیبهشت ماه سال جاری نسبت به سال گذشته منفی ۰.۸ درصد تنزل داشته و نسبت به دو سال قبل فقط ۱ درصد رشد داشته است. در همین حال در طی دو سال اخیر، نرخ تورم کلی کالاها و خدمات ۲۵ درصد و نرخ افزایش دستمزد نیروی کار و اقلام غیرقابل تجارت ۳۴ درصد می‌باشد (نمودار ۸). تورم منفی یا نزدیک به صفر بهای فروش تولیدات صنعتی در برابر نرخ تورم هزینه‌های تولید بالای ۲۵ درصدی، به این معنی است که تولیدکنندگان با سود پایین فعالیت داشته یا زیان داده‌اند. نظر به نوسان نرخ تورم بهای تولیدکننده در حول و حوش صفر درصد، نرخ سود تسهیلات بانکی بخش تولید باید کمتر از ۵ درصد (به صورت عمومی) باشد، تا قابل استفاده و همچنین بازپرداخت توسط اکثریت تولیدکنندگان باشد. (این مقدار بین رشته‌های صنعت با توجه به عوامل متعددی از قبیل میزان عمق صنعتی آنها متفاوت است). صنایع کوچک و متوسط نظر به اتکای بیشتر به نیروی کار و نهادهای داخلی، در مقایسه با صنایع بزرگ به میزان بیشتری تحت تاثیر عوارض نامطلوب افزایش هزینه‌ها قرار دارند.



نمودار (۸) - شاخص بهای تولیدکننده صنعتی و نرخ تورم کلی و کالاهای غیرقابل تجارت [۷.۸.۹]

در این راستا شایان ذکر است که، (۱) با توجه به عدم افزایش بهای فروش تولیدکنندگان و افزایش حداقل ۳۰ درصدی بهای نهاده‌های تولید و هزینه‌ها در طی دو سال اخیر، در مجموع نرخ تورم موثر تولیدکنندگان منفی می‌باشد. بنابراین با پرداخت سود تسهیلات بانکی یالای ۲۰ درصد اسمی و بالای ۲۵ درصد عملی، تولیدکنندگان باید بیش از ۳۰ درصد هزینه خالص تامین سرمایه در گردش را پوشش دهند که دور از انتظار است (نمودار ۱۰). (۲) بروز مسائلی از قبیل رکود شدید اقتصادی، افزایش زمان وصول مطالبات فروش و عدم امکان استفاده از اعتبار اسنادی، موجب شده دوره سرمایه در گردش به ۱.۵ تا ۲ برابر گذشته برسد. همچنین پدیده‌ای که شیوع زیادی یافته، مطالبات غیر قابل وصول و حجم چک‌های برگشتی و سوخت شده حاصل از عوائد فروش است که هزینه و زمان سرمایه در گردش را بالا می‌برد. (۳) با توجه به زمان دو برابری سرمایه در گردش واحدهای صنعتی نسبت به کشورهای دیگر با سود تسهیلات بانکی با نرخ متوسط ۳ تا ۶ درصد، هزینه سرمایه در گردش واحدهای تولیدی در ایران، در حدود ۱۰ تا ۲۰ برابر دیگر کشورها بوده که به مفهوم حداقل ۱۵ درصدی افزایش هزینه‌های تولید است. لذا با فرض شرایط دیگر کاملاً برابر، هزینه بالای تامین مالی قدرت رقابت از تولیدکننده داخلی را سلب کرده است (نمودار ۹). (۴) عدم تامین و کمبود نقدینگی کل صنعت، ارتباط ضعیف صنایع کوچک و متوسط با بانک‌ها و وجود بیش از ده هزار بنگاه تولیدی دارای معوقات بانکی (ارزی/ریالی)، عملاً بخش مهمی از بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط را از دسترسی به منابع مالی بانکی محروم کرده و بسیاری ناچار از مراجعه به بازار سیاه پول با سود سالانه بالای ۶۰ درصد هستند.



نمودار (۹) - نرخ هزینه سرمایه (سود تسهیلات بانکی) در ایران و جهان [۱۰]، [۱۳]

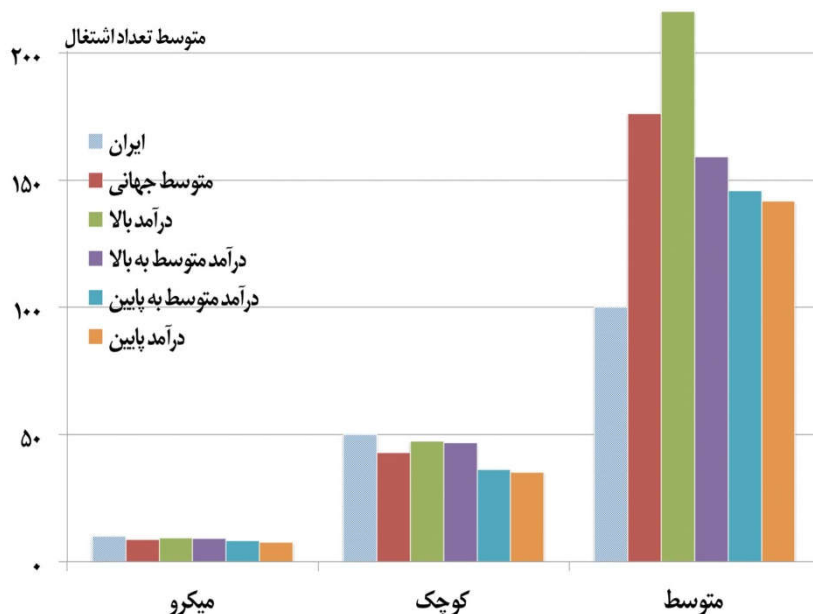
۷- هر چند که بر سر راه کارآمدی و تاثیرگذاری لازم تزریق منابع مالی به صنایع کوچک و متوسط، موانع زیادی وجود دارد، اما حتی در شرایط کنونی نیز می‌توان انتظار داشت، بخش قابل توجهی از تسهیلات (که بستگی زیادی به کارآمدی نحوه تخصیص آنها دارد) به چرخه تولید وارد شود. در این میان منابع انحراف‌یافته نیز به چرخه نقدینگی وارد شده و به انبساط اقتصاد کمک خواهد کرد. در هر صورت به نظر می‌رسد، مناسب‌ترین مسیر تزریق منابع مالی در جهت خروج از رکود از مسیر بخش تولید باشد. همچنین پس از تجربه چند سال سخت و دشوار، تامین این منابع مالی، موجبات امیدواری فعالان صنعتی و تداوم فعالیت آنها را فراهم می‌کند. در واحدهای کوچک نظر به این که حساب مالی کاری بنگاه و شخصی مالک در بسیاری موارد یکی است، این مشکل همیشه وجود دارد که بخشی از منابع تزریق شده به واحد صنعتی کوچک صرف زندگی شخصی مالک آن شود، اما حتی در این صورت نیز رفع مشکلات شخصی مالک بر روی بهبود وضعیت فعالیت بنگاه تاثیر مثبت باقی می‌گذارد.



نمودار (۱۰) - میزان اختلاف شدید بین تورم بهای تولیدکننده و هزینه بالای تسهیلات بانکی در ایران [۶،۱۰]

۸- باید توجه داشت که بخشی از واحدهای مشکل دار و بحرانی، واحدهایی هستند که با منابع مالی دستوری در دهه هشتاد ایجاد شده‌اند و دچار مشکلات متنوع مدیریتی، ساختاری، تکنولوژی و تولیدی هستند. همچنین تعداد قابل توجهی از واحدهای صنعتی دچار مشکل واردات و قاچاق، مازاد ظرفیت‌های تولید (بازار فروش محصولات)، محل استقرار غلط، طراحی اشتباه خط تولید و معضلات دیگری هستند که با تزریق منابع مالی حل نمی‌شود. تزریق مجدد منابع بانکی محدود کشور به این واحدها جز اتلاف منابع نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

۹- تعریف صنایع کوچک و متوسط در ایران دارای تعریف محدودتر و بسته‌تری نسبت به دیگر کشورهای جهان است. در کشورهای متعددی ضمن میزان اشتغال، سرمایه بنگاه‌ها نیز ملاک واقع می‌شود. بطور کلی در سطح جهان واحدهای با اشتغال زیر ۱۰ نفر واحدهای خیلی کوچک (میکرو)، با اشتغال بین حداقل ۱۰ تا حداکثر ۵۰-۳۰ نفر واحدهای کوچک و با اشتغال بین حداقل ۵۰-۳۰ تا حداکثر ۳۰۰-۱۵۰ نفر واحدهای متوسط محسوب می‌شود (نمودار ۱۱). با تعریف رایج در کشور، بسیاری از واحدهای متوسط از شمول واحدهای متوسط خارج می‌شوند. باید توجه داشت که تعریف اشتغال با توجه به سطوح اشتغال‌زایی بسیار متفاوت بخش‌های صنعتی دارای جامعیت کافی نمی‌باشد. در این شرایط بسیاری از واحدهایی که در زمره واحدهای صنعتی کوچک و متوسط قرار دارند، قادر به استفاده از تسهیلات این واحدها نیستند.



نمودار (۱۱) - تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اساس تعداد شاغلین در ایران و جهان [14]

۶- نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

هنوز زود است تا راجع به نتایج و عملکرد پرداخت تسهیلات به صنایع کوچک و متوسط قضاوت شود، اما آن چه که هم اکنون مشاهده می‌شود، این است که کم و بیش شرایط و ساز و کار تسهیلات زودبازده (دولت نهم) تکرار می‌گردد. مکانیزم اعطای تسهیلات تا حد زیادی همانند گذشته می‌باشد که نتایج نامطلوب آن قبلاً تجربه شده است. در همین حال کارشناس‌ها (سازمان‌های دولتی و بانک‌ها) همان کارشناسان قبلی هستند و آن چه هم اکنون در سطح استان‌ها می‌گذرد، چندان چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای ندارد. در جهت رفع مشکلات واحدهای راکد و نیمه-راکد و بهبود و افزایش کارایی پرداخت تسهیلات به صنایع کوچک و متوسط، پیشنهادات ذیل مطرح می‌شود.

۱- آن چه تزریق منابع مالی تولید را ثمربخش می‌سازد، وجود ساختارها و نهادهای پشتیبان بخش‌های مولد است. چنان چه اشاره شد کاهش هزینه‌های تولید، تسهیل فضای کسب و کار، اصلاح نظام مالیات‌ستانی، مدیریت واردات و ترویج صادرات از جمله مسائلی به شمار می‌روند که توجه جدی به آنها الزامی می‌باشد. در همین راستا استمهال بدهی‌های بانکی، مالیاتی و تامین اجتماعی به مدت دو سال ضمن بخشودگی جرائم مربوطه جهت تسهیل بازپرداخت، رفع موانعی از قبیل رفع مشکل بدهی‌های غیر جاری و چک‌های برگشتی و هر گونه اقداماتی از این قبیل، می‌تواند کارساز و موثر واقع شود. ضمن آن که تامین مالی در جای خود لازم و ضروری است، نظر به اشتغال‌زایی صنایع کوچک و متوسط و در راستای تشویق ایجاد اشتغال مولد که مهم‌ترین موضوع کنونی اقتصاد کشور به شمار می‌رود، تمهیداتی از قبیل پرداخت یارانه حق بیمه و معافیت‌های مالیاتی از کارایی و اثرگذاری مناسبی برخوردار است. انجام اقدامات هدفمند در جهت افزایش حاشیه سود بخش‌های مولد موجب خواهد شد تا سرمایه‌های مردم و منابع بانکی خود به خود به این سمت سوق یابد. هم اکنون به دلیل پایین بودن حاشیه سود بخش مولد کشور (و کاهش ادواری آن) و عدم توان رقابت‌پذیری، نه بانک‌ها تمایل به ریسک در بخش تولید دارند و نه اصولاً انگیزه‌ای در تولیدکنندگان وجود دارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود ضمن توزیع عادلانه و منصفانه مالیات بین بخش‌های اقتصادی و کاهش فشار مالیاتی بر روی بخش‌های مولد و انتقال آن به بخش‌های نامولد اقتصادی که خود در حرکت سرمایه‌ها به بخش تولید موثر خواهد بود، برای صنایع کوچک و متوسط دوره‌های تنفس و بخشش مالیاتی در نظر گرفته شده و جهت رفع تضییقاتی از قبیل ممنوع معامله کردن واحدها، بازداشت اموال و عدم تمدید کارت بازرگانی توسط دستگاه‌های مالیاتی و تامین اجتماعی، تمهیداتی اتخاذ شود. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بر سر راه فعالیت واحدهای کوچک و متوسط ایجاد شده، اخذ مالیات ارزش افزوده که باید در بخش مصرف گرفته شود، می‌باشد. در شرایطی که برگشت عوائد

حاصل از فروش تولیدات بیش از شش ماه به طول می‌انجامد، زمان اخذ مالیات ارزش افزوده به مراتب کوتاه‌تر از زمان دریافت مبالغ صورت-حساب‌های فروش تولیدات است.

۲- مهم‌ترین علت رکود و زیان‌دهی بخش‌های مولد تولیدی این است که فعالیت‌ها و عوامل نامولد از درآمدهای بالایی بهره‌مند هستند و اقتصاد در وضعیت رواج فعالیت‌های نامولد، حالت بازی با جمع صفر یا بازی برد-بخت به خود می‌گیرد. بنابراین بهره‌مندی عوامل نامولد از درآمدهای زیاد به معنای دریغ داشتن این درآمدها از عوامل مولد و نیروی کار است. نتیجه دیگر رواج فعالیت‌های نامولد آن است که نظر به بهره‌مندی از بازدهی‌های بالا، هزینه فرصت منابع را برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد افزایش می‌دهد. همچنین از آثار رواج فعالیت‌های نامولد تخریب و تضعیف نظام انگیزشی کار و تولید و کسب و کارهای مولد است، زیرا تصاحب بخش زیادی از منافع ایجاد شده توسط بخش‌هایی که در زنجیره خلق ارزش نقش چندانی نداشته‌اند، سهم نیروهای مولد را به شدت کاهش داده و آنها را برای ادامه فعالیت بی‌انگیزه می‌کند.

۳- با توجه به محدودیت منابع در دسترس بانکی و وجود بیش از ۱۷ هزار واحد صنعتی راکد و نیمه‌راکد (فقط در شهرک‌های صنعتی) و بیش از این تعداد در خارج از شهرک‌های صنعتی که منجر به استهلاک (بدون بهره‌برداری) سرمایه‌های کشور شده است، منطق اقتصادی حکم می‌کند که اولویت به تامین سرمایه در گردش داده شود و فعلاً نسبت به تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام اقدامی صورت نپذیرد. هم‌اکنون بازار محدودی در کشور وجود دارد که ضمن این که منقبض شده، به تعادل رسیده است، اگر به تعداد واحدهای موجود اضافه شود باید یا بازار صادراتی ایجاد شود یا این که قدرت خرید مردم بالا رود که هر دو احتمال وقوع پایینی دارد. همچنین واحدهایی که ظرف مدت دو سال اخیر تعطیل شده‌اند نسبت به واحدهایی که پیش از بروز تحریم‌ها بسته شده‌اند، جهت اخذ تسهیلات اولویت دارند. واحدهایی که قبل از بروز تحریم‌ها و رکود اقتصادی اخیر به تعطیلی کشیده شده‌اند، بیشتر دچار مشکلاتی هستند که اصولاً با تزریق منابع مالی قابل برطرف شدن نیست.

۴- نظر به اشرافیت کلی و توان کارشناسی قوی‌تر و جامع‌تر نسبت به عملکرد و وضعیت صنعت و واحدهای صنعتی، دفاتر ستادی صنایع در وزارت صنعت، معدن و تجارت و انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی کشوری می‌توانند به عنوان کارگروه‌های تخصصی در جهت تخصیص بهینه تسهیلات همکاری کاملاً موثری داشته باشند. کارگروه‌های تخصصی کشوری می‌توانند سهم تخصیص تسهیلات بخش‌های صنعتی و همچنین زیربخش‌های آنها را تعیین کنند، به عنوان نمونه جهت اجتناب از تخصیص تسهیلات به زیربخش‌های صنعتی که دچار مشکل بازار فروش محصولات خود هستند. همچنین مدیریت و کنترل کلی جریان تامین تسهیلات نیز می‌تواند توسط آنها انجام گردد.

۵- لازم است از اعمال فشار برای اعطای دسترسی تسهیلات به بانک‌های عامل اجتناب شود و به بانک‌ها اجازه داده شود تا ضمن بررسی و تایید اهلیت متقاضیان و اعتبارسنجی لازم نسبت به کسب وثایق (به خصوص بخشی از آن از خارج از طرح) و بازگشت تسهیلات اطمینان کافی حاصل کنند. همچنین به ارزش ظاهری (کاغذی) بخشی از دارایی‌های واحدها توجه شود. در هر صورت کارشناسی و بررسی لازم و کافی مهم‌ترین رکن موفقیت این طرح محسوب می‌شود.

۶- پرداخت یارانه سود تسهیلات موقوف به ایجاد اشتغال (بر اساس افزایش تعداد کارکنان طبق لیست بیمه) شود.

در مجموع ملاحظه می‌شود که مهم‌ترین راهکار خروج از رکود و ایجاد اشتغال مولد، تزریق منابع مالی به بخش‌های مولد اقتصادی و به خصوص صنایع کوچک و متوسط و بخش خصوصی واقعی است که کانون کلیدی موفقیت آن در مکانیزم موثر و کارآمد اجرایی نهفته است. امید می‌رود با کسب تجربه از عملکرد دولت‌های پیشین، ضمن اصلاح ساز و کارهای حاکم بر اقتصاد و تقویت ساختارها و نهادهای پشتیبان تولید، مکانیزم‌های تامین مالی بخش تولید بهینه شود و بتواند در جهت برون‌رفت از رکود، تقویت بخش‌های تولید و ایجاد اشتغال مولد مفید و موثر واقع گردد. در هر صورت باید توجه داشت که اگر یک نفر از بخش نامولد و رانتی خارج شود، هزاران نفر حاضرند که جای او را بگیرند، اما سال‌ها زمان می‌برد تا یک واحد تولیدی به چرخه نیروهای مولد اضافه شود و با تعطیلی یک کارخانه، کسی وجود ندارد تا در این راه قدم بردارد. بنابراین لازم است تا ضمن رفع ناکارآمدی‌های محیطی و رقابتی‌سازی شرایط تولید، از ادامه فعالیت واحدهای صنعتی که استعداد حفظ و افزایش اشتغال دارند، حمایت به عمل آید.

مراجع:

- [۱] طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۴
- [۲] مانده تسهیلات بانک‌ها و موسسات اعتباری (شبکه بانکی) به بخش غیردولتی، بخش متغیرهای پولی و اعتباری، بانک اطلاعات سری‌های زمانی، بانک مرکزی ایران
- [۳] ۷ هزار واحد صنعتی تعطیل شدند، روزنامه تعادل، شماره ۵۸۱، صفحه ۱۴، ۱۰ تیر ۱۳۹۵
- [۴] لایحه بودجه سال ۱۳۹۵
- [۵] لایحه بودجه مصوب سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴
- [۶] تجزیه و تحلیل، استنتاج و جمع‌بندی مولف
- [۷] شاخص قیمت تولیدکننده، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۸] شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۹] شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی - قابل تجارت و غیر قابل تجارت، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۱۰] بخش پولی و بانکی، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۱۱] کاهش دستوری نرخ سود و تامین مالی بنگاه‌های تولیدی، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۳۹۳

[12] **SME Financing**, OECD, 2008

[13] **Lending interest rate (%)**, World Bank Data

[14] **SME Definition**, OECD, 2013